

بلطفه

۱۰

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶

۱۷

۱۸

۱۹

۲۰

۲۱

۲۲

۲۳

۲۴

۲۵

۲۶

۲۷

۲۸

۲۹

۳۰

۳۱

۳۲

۳۳

۳۴

۳۵

۳۶

۳۷

۳۸

۳۹

۴۰

۴۱

۴۲

۴۳

۴۴

۴۵

۴۶

۴۷

۴۸

۴۹

۵۰

۵۱

۵۲

۵۳

۵۴

۵۵

۵۶

۵۷

۵۸

۵۹

۶۰

۶۱

۶۲

۶۳

۶۴

۶۵

۶۶

۶۷

۶۸

۶۹

۷۰

۷۱

۷۲

۷۳

۷۴

۷۵

۷۶

۷۷

۷۸

۷۹

۸۰

۸۱

۸۲

۸۳

۸۴

۸۵

۸۶

۸۷

۸۸

۸۹

۹۰

۹۱

۹۲

۹۳

۹۴

۹۵

۹۶

۹۷

۹۸

۹۹

۱۰۰

۱۰۱

۱۰۲

۱۰۳

۱۰۴

۱۰۵

۱۰۶

۱۰۷

۱۰۸

۱۰۹

۱۱۰

۱۱۱

۱۱۲

۱۱۳

۱۱۴

۱۱۵

۱۱۶

۱۱۷

۱۱۸

۱۱۹

۱۲۰

۱۲۱

۱۲۲

۱۲۳

۱۲۴

۱۲۵

۱۲۶

۱۲۷

۱۲۸

۱۲۹

۱۳۰

۱۳۱

۱۳۲

۱۳۳

۱۳۴

۱۳۵

۱۳۶

۱۳۷

۱۳۸

۱۳۹

۱۴۰

۱۴۱

۱۴۲

۱۴۳

۱۴۴

۱۴۵

۱۴۶

۱۴۷

۱۴۸

۱۴۹

۱۵۰

۱۵۱

۱۵۲

۱۵۳

۱۵۴

۱۵۵

۱۵۶

۱۵۷

۱۵۸

۱۵۹

۱۶۰

۱۶۱

۱۶۲

۱۶۳

۱۶۴

۱۶۵

۱۶۶

۱۶۷

۱۶۸

۱۶۹

۱۷۰

۱۷۱

۱۷۲

۱۷۳

۱۷۴

۱۷۵

۱۷۶

۱۷۷

۱۷۸

۱۷۹

۱۸۰

۱۸۱

۱۸۲

۱۸۳

۱۸۴

۱۸۵

۱۸۶

۱۸۷

۱۸۸

۱۸۹

۱۹۰

۱۹۱

۱۹۲

۱۹۳

۱۹۴

۱۹۵

۱۹۶

۱۹۷

۱۹۸

۱۹۹

۲۰۰

۲۰۱

۲۰۲

۲۰۳

۲۰۴

۲۰۵

۲۰۶

۲۰۷

۲۰۸

۲۰۹

۲۱۰

۲۱۱

۲۱۲

۲۱۳

۲۱۴

۲۱۵

۲۱۶

۲۱۷

۲۱۸

۲۱۹

۲۲۰

۲۲۱

۲۲۲

۲۲۳

۲۲۴

۲۲۵

۲۲۶

۲۲۷

۲۲۸

۲۲۹

۲۲۱۰

۲۲۱۱

۲۲۱۲

۲۲۱۳

۲۲۱۴

۲۲۱۵

۲۲۱۶

۲۲۱۷

۲۲۱۸

۲۲۱۹

۲۲۲۰

۲۲۲۱

۲۲۲۲

۲۲۲۳

۲۲۲۴

۲۲۲۵

۲۲۲۶

۲۲۲۷

۲۲۲۸

۲۲۲۹

۲۲۲۱۰

۲۲۲۱۱

۲۲۲۱۲

۲۲۲۱۳

۲۲۲۱۴

۲۲۲۱۵

۲۲۲۱۶

۲۲۲۱۷

۲۲۲۱۸

۲۲۲۱۹

۲۲۲۲۰

۲۲۲۲۱

۲۲۲۲۲

۲۲۲۲۳

۲۲۲۲۴

۲۲۲۲۵

۲۲۲۲۶

۲۲۲۲۷

۲۲۲۲۸

۲۲۲۲۹

۲۲۲۲۱۰

۲۲۲۲۱۱

۲۲۲۲۱۲

۲۲۲۲۱۳

۲۲۲۲۱۴

۲۲۲۲۱۵

۲۲۲۲۱۶

۲۲۲۲۱۷

۲۲۲۲۱۸

۲۲۲۲۱۹

۲۲۲۲۲۰

۲۲۲۲۲۱

۲۲۲۲۲۲

۲۲۲۲۲۳

۲۲۲۲۲۴

۲۲۲۲۲۵

۲۲۲۲۲۶

۲۲۲۲۲۷

۲۲۲۲۲۸

۲۲۲۲۲۹

۲۲۲۲۳۰

۲۲۲۲۳۱

۲۲۲۲۳۲

۲۲۲۲۳۳

۲۲۲۲۳۴

۲۲۲۲۳۵

۲۲۲۲۳۶

۲۲۲۲۳۷

۲۲۲۲۳۸

۲۲۲۲۳۹

۲۲۲۲۴۰

۲۲۲۲۴۱

۲۲۲۲۴۲

۲۲۲۲۴۳

فهرست مطالب

۱.	پیشگفتار
۲.	قرائت قدرت‌اندیشانه ابزاری از دین	۷
۳.	کچ‌اندیشی دینی عامل اصلی در شکل‌گیری فاجعه کربلا	۹
۴.	نهادهای حقوقی مورده‌سوء استفاده در شکل‌گیری فاجعه کربلا	۳۱
۵.	نهادهای کلامی مورده‌سوء استفاده در فاجعه عاشورا	۵۹
۶.	فاجعه جهل مقدس	۹۱
۷.	شست‌وشوی مغزی (استخفا) و فرار از آن	۱۳۱
۸.	فرار از استضعاف	۱۵۳
۹.	اخلاقِ ماتقدّم بر دین	۱۷۱
۱۰.	جهل و فقر؛ همزادان شوم	۱۹۵
۱۱.	عناصر اصلی امنیت قضایی	۲۳۱
۱۲.	احیای سنت قم؛ اجتهاد و اعتدال	۲۵۵
۱۳.	قم؛ آن‌گونه که من دیدم	۲۷۹
۱۴.	آمال حکیم	۲۹۷
۱۵.	دغدغه حکیمان نسبت به صلح جهانی	۳۳۱
		۳۵۱
	حکیم و حکمت قرآنی از دیدگاه صدرالمتألهین	۳۶۷

۶ فاجعه جهل مقدس

۳۹۷.....	فهرست اصطلاحات و اسمی اعلام.....
۴۱۳.....	فهرست تعدادی از مآخذ مورداستفاده.....

قرائت قدرت‌اندیشانه ابزاری از دین

مايلم سخنم را در اين درس از يك مكتوب تاریخي آغاز کنم. علامه حلى در كتاب نهج‌الحق و كشف‌الصدق، نامه‌ای از عبدالله‌بن‌عمر خطاب به يزيد‌بن‌معاويه عیناً از قول بلاذری^۱ آورده است.

عبدالله‌بن‌عمر از شخصیت‌های مدینه است؛ روایات واصله دلالت بر فقاهت او دارد؛ حتی در مسئله ازدواج موقت، رأیش با رأی پدرش مخالف بود. به‌حال به رغم روایات زیادی که در مدح وی وجود

۱. احمد بن‌یحیی‌بن‌جاپر‌بلاذری بغدادی کاتب، از مهم‌ترین مورخان و نسب‌شناسان قرن سوم است. سال تولد وی دانسته نیست، اما گفته شده که قدیمی‌ترین شیخ او که وکیع‌بن‌جراح است، در ۱۹۷ق. درگذشته و آن زمان، وی باید هفت تا ده سال سن می‌داشته است. ابن‌ندیم از او و آثارش یاد کرده و وی را از مترجمان کتاب‌های فارسی به عربی دانسته است، که از جمله آثارش، ترجمه عهد اردشیر به شعر است (ص ۳۷۴). یاقوت با تفصیل بیشتری از او یاد کرده و از ذکر مشایخ وی توسط یاقوت چنین برمی‌آید که بلاذری دانش خود را از محدثان شامی- عراقي برگرفته است. دو کتاب با ارزش از بلاذری برچای مانده است: یکی فتوح‌البلدان و کتاب با ارزش دیگر وی، انساب‌الاشراف، که تاریخ دوران اسلامی را در قالب نسب‌شناسی و خاندانی آورده است.

آمده و در اسلام حادثه‌ای بزرگ روی داده است و هیچ روزی مانند روز کشته شدن حسین نیست.»

وقتی نامه عبدالله بن عمر به دست یزید رسید، چنین پاسخ داد: «فکتب إلٰي يزيد: أَمّا بعد، يَا أَحْمَق، فَإِنَّا جَئْنَا إِلٰي بَيْوَتِ مَجَدَّدَةِ، وَفَرَشَ مَمْهُدَةً وَوَسَادَةً مَنْضَدَّةً، فَقَاتَلَنَا عَنْهَا، فَإِنْ يَكُنَ الْحَقُّ لَنَا فَعَنْهُ قَاتَلَنَا، وَإِنْ يَكُنَ الْحَقُّ لِغَيْرِنَا، فَأَبْوَكُ أَوْلَى مَنْ سَنَّ هَذَا وَابْتَزَّ وَاسْتَأْثَرَ بِالْحَقِّ عَلَى أَهْلِهِ»: «ای نادان! ما به خانه‌های نو و فرش‌های گسترده و بالش‌های روی هم چیده دست یافتیم و برای نگهداشتن آنها جنگیدیم! اگر حق با ماست که ما بر سر حق خود جنگیدیم و اگر حق با دیگری است، پس پدر تو نخستین کسی است که این بنيان را نهاد و حق را از اهلش گرفت.»^۱

تاریخ ادیان نشان می‌دهد که گرایش به دین و ورود به یک محله و

دارد، آنچه مسلم است این است که برای رسیدن به خلافت و وصول به قدرت، بسیار مایل بوده ولی دلش می‌خواسته به راحتی این سمت نصیب شود و به قول حافظ: «دولت آن است که بی‌خون دل آید به کنار». ^۲

نوشته‌اند سه بار به وی پیشنهاد خلافت داده شد. اول، بلاfacile پس از قتل عثمان در ۶۵۶ق./۶۴م؛ دوم، در هنگام مذاکرات حکمین بر سر نزاع علی(ع) و معاویه در صفين در ۶۵۷-۶۵۸ق./۶۴۳م. و سوم، پس از مرگ یزید در ۶۴۴ق./۶۵۶م. که هر سه بار به علت اینکه تمايل داشت مردم بر خلافتش متفق القول باشند و به هیچ‌گونه خون‌ریزی برای حفظ آن نیاز نباشد، این پیشنهاد را رد کرد.

«لامنز» از نویسنده‌گان غربی، در خصوص علت رد کردن خلافت توسط عبدالله می‌نویسد: «رد وی به علت روحیات صلح‌جویانه و آرامش طلبانه وی بوده است. عبدالله از لحاظ جسمی ضعیف بود و

پدرش، عمر، نیز به این موضوع پی برده بود.»^۳

به هر حال متن نامه بدین شرح است: «لَمَّا قُتِلَ الحُسَين كَتَبَ عَبْدُ اللهِ بْنُ عَمْرٍ إِلَيْهِ يَزِيدَ بْنِ مَعَاوِيَةَ: أَمّا بَعْدُ، فَقَدْ عَظَمَتِ الرِّزْيَةُ وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ، وَحَدَثَ فِي الإِسْلَامِ حَدَثٌ عَظِيمٌ، وَلَا يَوْمَ كَيْوَمَ قُتْلَ الحُسَينِ»: «هنگامی که حسین بن علی بن ابی طالب(ع) کشته شد، عبدالله بن عمر نامه‌ای به یزید بن معاویه نوشت که: اندوه بزرگ و مصیبی گران پیش

۱. نهج الحق و کشف الصدق، ص ۳۵۶: این کتاب مستطاب یکی از مهم‌ترین آثار مرحوم علامه حلی است. مؤلف در این کتاب از مباحث کلامی آغاز و به مباحث فقهی ختم کرده و کلیه مباحث مورداختلاف میان شیعه امامیه با مکاتب چهارگانه فقهی را مطرح نموده و بر اساس منبع اهل تسنن به نفع نظر امامیه استدلال کرده است. علاوه بر این به مباحث ادبی، تفسیری، تاریخی و غیره نیز پرداخته است. جالب است گفته شود که پس از انتشار این کتاب، که عنوانش نهج الحق... بوده، شخصی به نام فضل بن روزبهان به بهانه شرح کتاب علامه، کلیه مطالب را مورد نقد و انتقاد قرارداده و ابطال الباطل عنوان داده است. پس از انتشار این کتاب مرحوم قاضی نورالله شوشتری، یکی از علمای نامدار امامیه، کتابی تحت عنوان احقاق الحق تألیف کرد و میان شارح و مatan قضاوت و در کلیه موارد به نفع ماتن رأی داده و در برخی موارد با عصبانیت به تلخ گویی پرداخته است. قسمت مباحث کلامی کتاب احقاق الحق با شرح و پاورقی، توسط گروهی از محققین تحت نظرارت و اشراف آیت‌الله مرعشی نجفی، در ۲۳ جلد در قم منتشر شده است.

1. "Abd Allāh b. Umar b. al-Khattāb", in: *Encyclopaedia of Islam*, Vol 1, P 53-54.